



۰۴/۰۶/۲۰۱۵



مسعود فارانی

سنخیت وجه تسمیه «پارسی» با زبان دری؟

در اصطلاح زبان پدیده مصطلح است بنام «غلط مشهور» که همیشه جای «صحیح نا مشهور» را گرفته است، از همینرو می بینیم که ضمیمه کردن کلمه پارسی یا فارسی در کنار زبان دری (به اصطلاح زبان) یک «غلط مشهور» ساخته شده است. چرا؟ بخاطریکه این زبان با نام پارس یا فارس هیچ قرابت مکانی، منطوقی، ریشوی و حتی زبانی ندارد. اینجا سوال اساسی سر بلند میکند که پس چرا و چگونه کلمه فارس یا پارس را بنام یک زبان تاریخی پینه و وصله زده اند؟ و حتی این جعل و غلط به شهرت رسیده، سبب شده است که **پارتیان** هند را نیز **پارسیان** هند بنامند؟

برای رفع این سوء تفاهم عرض شود که منطقه فارس (شیراز) با زبان دری و یا شکل تغییر یافته آن زبان **فارسی** بیگانه بود، چنانچه بر اساس تحقیق روانشاد داکتر عبدالاحمد خان جاوید، دوشاعر بزرگ این خطه حافظ وسعدی شیرازی تا سنین نو باوگی زبان فارسی بلد نبودند. پس چگونه خطه ای که دارای زبان غریبه باشد چرا نامش در کنار زبانی قرار میگیرد که با آن هیچ سنخیت و حتی قرابتی قیاسی هم ندارد؟ زیرا شیراز یا منطقه فارس یا پارس با زبان دری و حتی فارسی بیگانه و غریبه بوده است و از زادگاه زبان دری یعنی افغانستان مرکزی و بلخ و بخصوص آنطرف و اینطرف دریای آمو که مهد پیدایش زبان دری شناخته شده است، پارس حدود چند هزار کیلومتر فاصله دارد. پس روشن میشود که ترکیب نام فارس در کنار زبان یعنی «زبان پارسی» **عمداً** جعل شده است و منحصراً غلط مشهور این اصطلاحی غیر موجه را بخورد مردم داده اند و در ردیف غلط مشهور جا گرفته است.

اینهم دونمونه از زبان منطقه فارس که بنام زبان شیرازی در شعر حافظ وسعدی (یعنی بزبان مادری خودشان) سروده شده است:

از حافظ: به پی ما چان غرامت بسپریم غرت یک بی روشنی از اما دی
از سعدی: پر هنظ تله جونی می کند عشغ سقری شخی بونی چش روشنت

دقت کنید که اگر این دو بیت بالا به دری ترجمه نشوند در زبان دری مفهوم شده نمیتوانند گرچه در رسم الخط با هم یکسان اند. حتی بعد ها حافظ به این لحاظ از منطقه فارس با شیراز شکایت گونه میفرمائید که:

سختدانی و خوشخوانی نمی ورزند در شیراز بیا حافظ که تا خود را به ملکی دیگر اندازیم

چرا حافظ چنین خطاب میکند بخاطریکه او به زبان دری میسراید و دری را شیرازی ها نمی فهمیدند، نمونه:
ز شعر دلکش حافظ کسی بود آگاه که لطف طبع سخن گفتن دری داند

کلمه معرب شده فارس که آبرومند تراز کلمه پارس است، از جانب مردم منطقه به هخامنشی های قلدراهی خزری سفاک اطلاق میشد. آنها شیراز را مرکز خود انتخاب کرده بودند. که برای جبر و ستم (مثل طالبان کنونی در افغانستان) اجیرشدگان بیگانه (یهودیت) که انسان کشتی و اوامریهودیت را بر مردم اجرا میکردند. زیرا آنها برای قتل عام منطقه مؤظف شده بودند و در حادثه "پوریم" تمام سکنه را قتل عام کردند. مردم دَوَر و اطراف منطقه پوریم این جنایت کاران را شناخته بودند و هرگز در برابر آنها سر تسلیم فرود نیاوردند بعد از قیام های مکرر مردم خزری های اجیر شده دیگر تاب نیاوردند تا بلاخره مجبور به ترک منطقه شدند. ازینرو مردم آنها را با اهانت به پارس سک مسمی کرده بودند و این کلمه چون ابداع شده خود مردم در تقابل آنها بود تا کنون در جامعه باقی و پایا ماند. دلیل دیگر اینکه چرا دولت پارس اسمش را در ۱۹۳۵ میلادی به ایران عوض میکند و نام تمام خطه ایران راکه پارس جزء کوچک آن بود بر خود میگذارد که از جانب بزرگان مثل یار شاطر، سعید نفیسی و دیگران مورد نكوهش قرار میگیرد، این تغییر دادن نام چه ضرورتی دیگر میتواند داشته باشد؟

در قدیم پارتی ها که مرکز شان شهر بلخ مشهور به ام البلاد بود زبان شان بنام زبان **پارتی** یاد میشد.

بدبختانه در زبان پهلوی «ت» را «ث» یا «س» تلفظ میکردند که «کیومرث» «کیومرث» میشود، «پارتیک» ، «پارسیک» میشود و «پارتی» «پارسی» میشود لذا با سو استفاده ازین نقیصه و بدیل، ترکیب «زبان پارسی» راجع کردند، بعد از آن در تمام متون آنرا داخل ساخته با جعل در جعل این غلط را شهرت دادند. جناب نجیب سخی خود چنین مینویسد که:

«.... متنی که در فوق از دیدگاه صاحب نظران و دانشوران با صفا عبور نمود ؛ **دُر سُنْجَه دَرِی** در قالب نثر مسجع است ، **نجیب سخی تحت عنوان دُر سُنْجَه دَرِی (تکیه از ماست).** « یعنی **دُر سُنْجَه پارسی دَرِی** نمیگوید.

یا جناب روانشاد داکتور عبدالاحمد خان جاوید که نام آریانا را توضیح میدهد چنین مینگارد: نگارش این کلمه در **زبان پارتی (Arian)** و در زبان اشکانی (Aryan) بوده است.

(مقالات جاوید، جلد اول، پژوهشهای تاریخی، مولف: اکادمیسین دکتور عبدالاحمد جاوید کابل-1390 خورشیدی)

میرهن است که زبان دری زاده زبان باستانی پارتی میباشد. جعل دیگر اینکه در کنار جعل کلمه پارسی، بقول داریوش آشوری (زبان شناس خبیر ایرانی)، زبان فارسی قدیم و زبان فارسی میانه که خود فارسی زبانها از آنها خبر نبودند این غربیان بودند که برایشان یاد داد.؟؟ (داریوش آشوری) اینگونه بذل و بخشش بدون اساس من در آوردی آنها سبب میشود پرسیده شود که پس اصل زبان **پارتی** چه شد؟ و چرا از تمام متون ها حذف میشود و جای آنرا پارسی از یکصد و اند سال به اینطرف اشغال میکند چرا ؟

اینک برای محققین گرامی از قول مهرداد بهار که او را بخاطر آشنایی اش با اسطوره ها « غواص اسطوره ها » لقب داده اند. (در مجله ماهنامه فرهنگی و هنری بنام کلک که در ۳۴۴ صفحه (شهریور ۱۳۷۳ شماره ۵۴) نشر شده است. با متن عکاسی شده از گفتار مهر داد بهار که از صفحه ۱۷۰ الی ۲۳۳ تحت نام گفتگو با دکتر مهر داد بهار) ثبت شده است انتخاب و خدمت شما خواننده گرامی پیش کش می شود.

مهرداد بهار درین صحبت سخنان ارزنده و قابل ملاحظه دارد. در صفحه ۲۲۵ این مجله، واضح میسازد که جعل تاریخی در مورد کلمه **پارت** و **پارس** چگونه بمیان آمده است و دلیل آن چیست؟

مهر داد بهار میفرماید: «.... یک نکته بسیار جالب برایتان بگویم و آن اینکه در شاهنامه آمده که پایتخت کاوس در پارس بود، در حالی که در حماسه های کهنه که نگاه می کنیم فارس درین حماسه ها اصلاً دخیل نبوده است. این نبرد ها به گرد رود جیحون است. پس چرا یاد از پارس کرده است؟ جالب اینست که واژه **پارت** و **پارس**، در املاء پهلوی هر دو به صورت **PIS** املاء میشود و در ضمن مطالب جغرافیای بندهش آمده که از هرات به شرق افغانستان امروزی پارس است یعنی از هرات تا برسد به بامیان و برسد به کوههای پامیر در شرق، یعنی منطقه ای که بلخ هم جزء آن است، **پارت** حساب میشود و بلخ پایتخت کاوس بوده. ضمناً من در یاداشتهای شما (داکتر مزدآپور) بود که می خواندم که بلخ پایتخت کاوس بوده ، توی متن آمده، **اشتباه در قرانت و دریافت غلط شکل اسطوره را عوض کرده پایتخت کاوس که در بلخ بوده** (که ظاهراً از عصر اشکانی بخشی از **پارت** خوانده می شد) و **جزو پارت بشمار می آمده، جزوی از پارس خوانده شده و سرزمین و پایتخت کاوس را در فارس شمرده اند.** «..... سخنان مهر داد بهار (تکیه از ماست).

برای سهولت خواندن، متن فوق جنساً نقل شد. اینک به اصل متن لطفاً در ذیل مقاله به عکس مراجعه کنید و خود بخوانید.

با موجودیت این حقیقت یاد شده فوق، پس ببینید که مغرضین ایرانی در برابر زبان با شکوه **پارتی** که زادگاهش افغانستان است، و مادر زبان دری میباشد سکوت میکنند و بخاطر جعل که به نفع خود شان تمام شود، نام، زبان **پارتی** را به طاق فراموشی میگذارند تا در برجسته کردن نام **پارس** موفق شوند. به همین سبب زبان فارسی قدیم و زبان فارسی میانه و... و... را بمیان آوردند.

د پانو شمیره: له 2 تر 4

افغان جرمن آنلین په درننیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

زبان **پارتی** که با مجاورت و آمیزش زبان سغدی، بلخی و خوارزمی به شکل دری امروزه تغییر کرده است. فرزند سکه از مادرش زبان **پارتی** میباشد. پس بجای زبان **(پارسی دری)** چرا زبان **(پارتی دری)** نگوئیم؟ و نام بد مسمی پارس را چون وصله ناجور به آن بچسپانیم.

مضحکتر اینکه بوسیله مرکز ارتباطات هند و ایرانی، در هند که اکثر آنها مجوسی میباشند، تداوم جعل کاری هنوز هم ادامه دارد.

پس با این چنین حقیقت آشکار باز هم اگر بگویم که زبان **پارسی دری**، بنظرم اشتباه محض است؟ بخصوص که نقل قولی از ابن سینای بلخی را برای این غلط مشهور، محشور سازیم.

ابن سینا بلخی" در داشتن آثار فراوان شخص متبحری است. آثار "ابوعلی" شامل 238 کتاب و رساله و نامه می شود. او تنها حکیمی است که تقریباً همه آثارش باقی مانده و بسیاری از آنها به طبع رسیده و برخی به زبانهای مختلف ترجمه شده‌اند. که از جمله این بحر بزرگ از آثار او فقط دو اثر آن به دری تحریر شده بنام های "دانشنامه علایی" و "رساله نبض" است که اولی ناتمام باقی ماند و بوسیله شاگرد ابن سینا تکمیل شده است. بناً این اثر را نمیتوان اثر خالص ابن سینا شناخت. دیگر اینکه اصل این اثر در کجاست؟ در کدام موزیم است؟ اگر این اثر چاپ شده در ایران باشد و بلا تشبیه اگر وحی منزل هم باشد از اعتبار ساقط است. کسیکه برای وصله زدن و پینه کردن کلمه **پارسی** در کنار زبان دری تلاش کرده است. چرا به اصل پارتی آن توجه نمیکند؟ بهتر بود به این سند ناتمام ابن سینا مراجعه نمیکردند که این سند ناتمام بوسیله شاگرد ابوعلی سینا تکمیل شده است و دیگر اینکه این اثر نشر کجاست؟ منبع نشر ذکر نشده است. یعنی تکیه برین سند منحیث قول ابن سینا مغشوش بنظر میرسد.

بقول جناب محترم دیپلوم انجنیرخلیل الله معروفی که میفرمایند: « فرموده بوعلی سینای بلخی در زمینه و " پارسی دری " نامیدن این زبان را نباید " آیت مُنَزَّل " دانست. » تأیید میکنم.

داکتر «ذبیح‌الله صفا» کتاب های دری «ابن‌سینا» را در مجموعه ای «تاریخ ادبیات ایران» بدین قرار ذکر می کند:

از «ابوعلی سینا» فیلسوف بزرگ، چند کتاب به زبان پارسی !! باقی مانده‌است که بهتر دانسته‌ایم همه را ذیل یک عنوان مذکور داریم. انتساب بعضی از این کتاب‌ها به «ابن‌سینا» محقق و نسبت برخی دیگر، مورد تأمل است چنانکه می‌توان آنها را ترجمه‌هایی از آثار شیخ دانست که غالباً از اختصاصات نثر قرن ششم یا بعد از آنند. از میان کتاب‌های شیخ، نسبت «دانشنامه‌ی علایی» و کتاب «رساله نبض» بدو مسلم است.

« دانشنامه علایی »:

این کتاب را شیخ به خواهش «علاءالدوله کاکویه» نوشته و آن را به قصد تحقیق در منطق و طبیعیات و هیئت و موسیقی و مابعدالطبیعه تصنیف کرد اما جز به تحریر قسمت منطق و الهیات و طبیعیات، توفیق نیافت و بقیه را شاگرد او «ابوعبید جوزجانی» به‌عهده گرفت. [و تکمیل ساخت]

« رساله نبض »:

این رساله شامل بحث در کیفیت آفرینش عناصر، مزاج ها و طبایع است و نیز و بحثی در نقش خون در بدن و نیز نبض و انواع آن دارد.

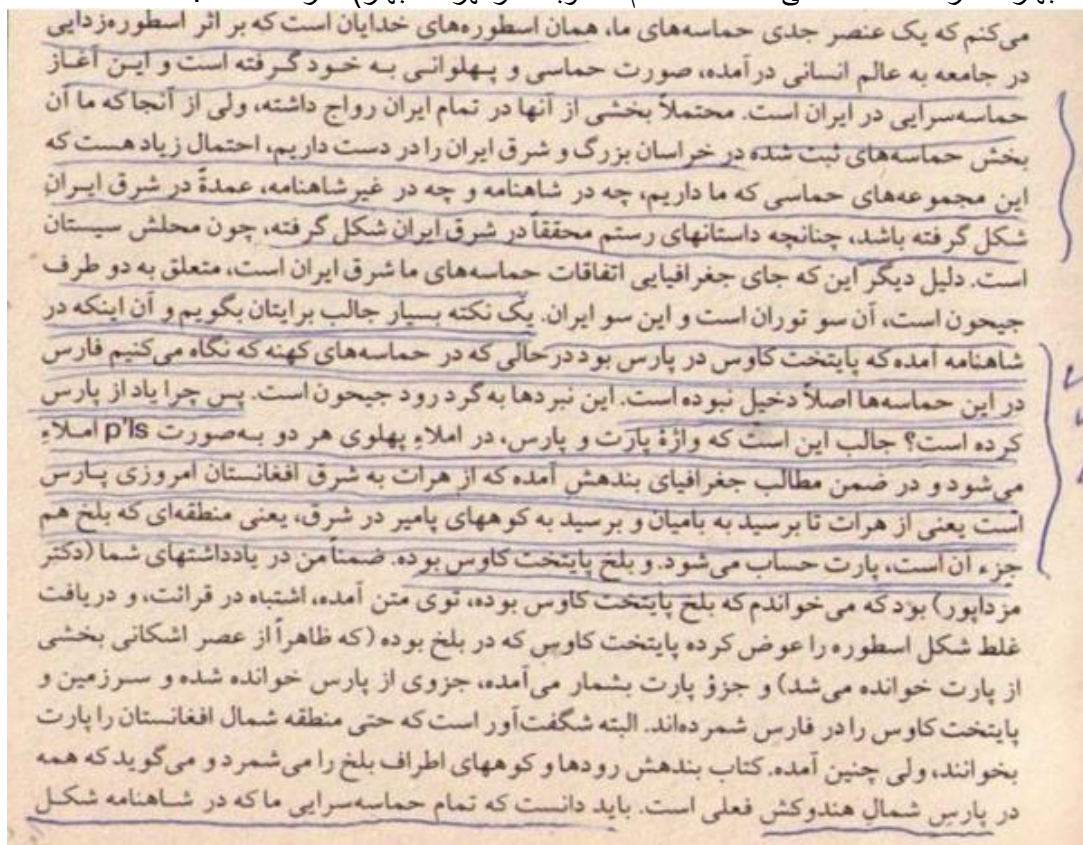
این کتاب از جمله نخستین کتاب هایی است که در فن طب نگاشته شده و حاوی اصطلاحات علمی متعدد به دری است. پس می بینیم که این دو اثر تکیه بر پارسی ابن سینا ندارد و اگر در ترجمه کتاب وی آمده است صد در صد برای جعل کاری سندی دیگری را جعل کاران ایرانی ارائه داده اند. با این تحقیق فشرده آرزو می‌رود تا این وجهه تسمیه را قلمداران توانا و دری زبانان گرامی بیشتر دقت کنند.

د پانوی شمیره: له 3 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

همچنان مشکلات ترجمان ایرانی را برای افغانها که از جانب فارو درین پورتال نشر شده است بسیار عالی و موجه میدانم. تمام این حجت ها راه آینده را روشن میکند. وسلام

عکس ذیل از روی متن عکاسی شده است.
(از مجله ماهنامه فرهنگی و هنری بنام کلک که در ۳۴۴ صفحه (شهریور ۳۷۳ شماره ۵۴) نشر شده است. از گفتار مهر داد بهار که از صفحه ۱۷۰ الی ۲۳۳ تحت نام گفتگوبا دکترمهر داد بهار) نشر شده است.



دیده شده ها :

تأمل بر نیاد تاریخ ایران (بخش زبان) (پور پیرار)

اهمیت استنباط در درک زبان « دکتر محمد رضا باطنی -

هویت و زبان ایرانیان پس از اسلام و پوریم یهودیان (بازبینی شده) از ناصر پور پیرار

<http://www.vajehyab.com/dekhoda/%D8%A7%D9%84%D9%81%D8%A8%D8%A7>

<http://aryaadib.blogfa.com/cat-3.aspx>

پروگرام محلی سازی زبان در آیریتنگ سیستم ها (نوشته خانم محترم ویلوم صالحه و هاب واصل و محترم دیپلوم قیس کبیر)

فارو

تفاوت نگذاشتن میان دری و فارسی و مشکلات پناهجویان در اروپا

د پانو شمیره: له 4 تر 4

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکي په څیر و لولی